

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## **موضوع :**

جبهه سازی جمعیت (ساخت و ارتقاء جبهه واحد فعال  
جمعیت، آشنایی و آگاهی دادن جامعه در مباحث ازدواج و  
فرزندآوری)

## **مدرس :**

فوزیه نوری

## **تاریخ :**

مهر ۱۴۰۲

## **فهرست :**

تعاریفی از جبهه سازی

تعریف جمعیت

جمعیت فعال و غیرفعال

قانون حمایت از خانواده

هدف از نوشتار

نکاتی درباره ازدواج

ازدواج از دیدگاه ادیان

ملاک‌های ازدواج

حقوق و وظایف زوجین

## نتیجه گیری

### جبهه سازی جمعیت:

در ابتدا لازم است تعریفی از جبهه سازی داشته باشیم امروزه شبکه سازی یا به معنای دیگر جبهه سازی یکی از ضروریات کسب و کارهای مالی دنیا و حتی فرهنگی شده است و کسانی که شبکه سازی حرفه ای تری داشته اند به مراتب موفق تر از دیگر رقبای خود بوده اند و سرمایه های بازار و نخبگان فرهنگی و اجتماعی به سمت آنها روانه شده است.

در واقع شبکه سازی بهم رسانی و هدایت نرم افراد و مجموعه های نخبه و صاحب فکر و ایده ایست که هر کدام برای خودشان ممکن است صاحب شبکه محسوب شوند.

به عبارت دیگر جبهه سازی یعنی اهتمام و عملیات برای رسیدن به نوعی یگانگی در منافع و اهداف از سوی افرادی که به رغم اختلاف نظر و سلیقه های گوناگون فرهنگی و اجتماعی و حتی سیاسی، اشتراکات مبنایی، مهم و کلیدی بسیاری دارند و این اتحاد و همسویی را مصلحتی دنبال نمی کنند و واقعا به آن اعتقاد دارند.

با این تعریف می توان شبکه سازی را مقدمه جبهه سازی دانست.

چند سالی شبکه سازی با راهبرد غایی جبهه سازی و حل مساله به واسطه دستورات و بیانات امام خامنه ای در میان فعالان فرهنگی اجتماعی رایج شده است تا جاییکه افراد و ساختارهای مشخصی، وظیفه شبکه سازی و تحقق جبهه سازی را به عنوان کارویژه خود انتخاب و برای آن تلاش می کنند؛ اما به نظر می رسد شبکه های فرهنگی اجتماعی باید دارای شاخص های کلیدی پیش برنده باشند تا دچار اختلال در عملکرد و سقوط نشوند.

اولین شاخصه کلیدی یک شبکه توانمند و اثرگذار آن است که راه اندازش در جایگاه فرماندهی شبکه ها باشد و نه متولی یک شبکه خاص که رانت و قدرت و ثروت را در آن شبکه ملاحظه کند.

به عبارت دقیق تر اینکه جبهه سازی عبارت است از بهم رسانی چندین شبکه با سلايق و نگاه های متفاوت نه ایجاد یک شبکه خاصی که فرمانبردار و مطیع است و عناوین سازمانی ما را مانند نماینده، دبیر و ... را یدک می کشند.

دومین شاخصه یک شبکه فرهنگی اجتماعی قوی و اثرگذار این است که بالا به پایین نیست بلکه از پایین به بالاست



برخی ها خیال می کنند با عدم انتخاب مستقیم مسئول یک شبکه، شبکه ای که به وجود می آید مردمی و پایین به بالا می شود اما غافل از اینکه تمام رانت، قدرت و اعتبار را منحصر در همین منتخب می کنند که اگر خودش را در جایگاه فرماندهی تعریف نکند مانع ایجاد شبکه های موثر و قوی می شود تا جایی که به شبکه ها اعتراض می کنند که چرا شما کشور شدید! شما حق نداشتید که از سطح استان فراتر بروید یا اینکه حتی برای نام یک موسسه و شبکه استانی هم تعیین تکلیف می کند!

مولفه پایین به بالا اگر با انتخاب غیرمستقیم تحقق می یافت نمونه بسیار واضح آن در انتخابات ریاست جمهوری باید محقق می شد، که رئیس جمهور توسط عموم مردم و نه طبقه ای خاص انتخاب می شود اما مصداق تام بالا به پایین محسوب می شود.

جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی باید به دنبال ایجاد حلقه های میانی مستقل و دارای مرجعیت نسبی باشد که خودش فقط در نقش هدایت نرم و ایجاد این شبکه هاست نه متولی و سرپرست آنها...

پس باید به دنبال شبکه های متعددی بود که در زیست بوم خودشان شکل گرفته اند و نه شبکه های مصنوعی که پول و ثروت و مکان و اعتبار آنها را به وجود می آورد و هروقت عوامل شکل گیری آنها زائل شد همه چیز تمام می شود.

جبهه سازان واقعی و نه صوری به این نکته واقف اند که آنچه جبهه سازی را در گذشته و حال دچار آسیب و مشکل کرده و می کند وجود دیدگاه های متنوع علمی و فرهنگی نیست بلکه مشکل اصلی را بایستی بیشتر از همه در نوع نگرش ها، برخوردها، سوء تفاهم ها، سیاه نمایی ها و احیاناً تحریک احساسات و تشدید اختلافات جست وجو کرد و بالعکس اگر جایی موفقیتی بوده ناشی از اخوت و برادری و حسن ظن ها بوده است.

امام خمینی معمار و بنیانگذار انقلاب اسلامی درباره موانع وصلت کردن و اخوت و خروجی های این عدم مواصلت می گوید:

مسلمین مأموران به پیوند دادن و نیکویی به یکدیگر و مودت و اخوت. معلوم است آنچه موجب ازدیاد این معانی شود محبوب و مرغوب است آنچه این عقد و پیوند دادن و خوب را بگسلد و تفرقه در بین جمعیت اندازد مبغوض صاحب شرع و مخالف مقاصد بزرگ است و پرواضح است که این کبیره هلاک کننده هست اگر در بین جمعیتی رایج شود موجب کینه و حسد و بغض و عداوت شده و ریشه فساد در جمعیت بدواند درخت نفاق و دورویی در آن ها ایجاد کند و وحدت کلمه و اتحاد را گسسته .

در واقع جبهه سازی که مورد بحث می باشد در باب جمعیت افزونی و از نوع فرهنگی جبهه سازی می باشد تا با نگاهی واقع بینانه مسائل را بررسی کنیم.



## هدف :

هدف از نوشتار ، در ابتدا آشنایی اجمالی مبلغین عرصه مهم تبلیغ با مبانی فقهی تغییرات جمعیتی ، فرمایشات حضرت خامنه ای در مورد جمعیت ، ازدواج و فرزند آوری، ملاک های همسران در امر ازدواج و علل عدم تمایل به فرزند آوری و ارتباط گیری و جبهه سازی کنشگران و فعالان عرصه جمعیت می باشد در مرحله بعد آگاهی دادن مردم با مباحث مذکور و برخی آیات و روایات درباره ی ازدواج و رفع برخی نگرانی-هایی است که گاهی از طرف جوانان مطرح می گردد. نگرانیها و دغدغه هایی که مانع از ازدواج مناسب و به هنگام میشود. معتقدیم تا به تعالیم اسلام که توسط اهل بیت (علیهم السلام) بیان شده، بازنگردیم، روز به روز بر مشکلات زندگیايمان افزوده می





لازم بر آن است که تعریفی از جمعیت داشته باشیم:

واژه یا عبارت «جمعیت» (Population) به معنی افرادی است که در یک ناحیه جغرافیایی (مثلا شهر یا روستا) زندگی می‌کنند. البته این مفهوم در جمعیت‌شناسی، تمام یا بخشی از ساکنان یک ناحیه را شامل می‌شود. به کلیه کسانی که به طور پیوسته در این ناحیه جغرافیایی زندگی می‌کنند، جمعیت می‌گویند. این گردهمایی ممکن است به صورت خانوار و یا خانواده شکل گیرد. بدین ترتیب، جمعیت را می‌توان مجموعه‌ای از خانوارها یا خانواده‌ها در نظر گرفت که برای امری خاص، در زمانی مشخص و مکانی معین، گرد هم آمده‌اند. در این بین زمان و مکان برای این افراد به جهت شکل‌گیری جمعیت اهمیت دارد.

جمعیت و مفاهیم مربوط به آن اغلب در علم «جمعیت شناسی» (Demography) مورد بحث قرار می‌گیرد. در این علم، هدف شناسایی ویژگی‌ها و خصوصیات جمعیتی مانند تغییرات فیزیکی، روحی و روانی در جامعه است و کمتر به جنبه استنباط یا استنتاج آماری توجه می‌شود اما آنچه از جمعیت در این نوشتار مد نظر می‌باشد از جنبه خانوار در استانها و کشور می‌باشد تا بتوانیم با بررسی مسائل و دیدگاههای مختلف به نتایجی مطلوب برسیم تا بتوانیم ازدواج و فرزندآوری را سطح مطلوبی در جامعه برسانیم. جمعیت شناسی به دو گروه فعال و غیرفعال تقسیم میشود که باید تلاش کنیم کشور را بسمت سوی جمعیت فعال سوق داد و نشاط و شادابی را در جامعه نشان داد.

## جمعیت فعال و غیرفعال:

جمعیت فعال از نظر جمعیت‌شناسی، گروه‌های سنی ۱۵ تا ۶۴ سال را شامل می‌شود؛ که در سن کار قرار دارند «و براساس تعریف دفتر بین‌المللی کار وابسته به سازمان ملل، جمعیت زیر ۱۵ سال و بالای ۶۵ سال، جمعیت غیر فعال محسوب می‌گردند. به عبارت دیگر، جمعیت زیر ۱۵ سال جمعیت لازم‌التعلیم است؛ که باید شاغل به تحصیل باشد و جمعیت ۶۵ سال به بالا آن بخش از جمعیت است که به دوران فراغت رسیده و باید از کار کناره‌گیری کند و با آسودگی به زندگی خویش ادامه دهد. ولی می‌توان گفت که در تمام کشورها، چنین چیزی به‌طور کامل اتفاق نمی‌افتد و در بسیاری از نقاط جهان، این دوبرخس همچنان شاغل هستند.»

بسیاری از افراد، با اینکه در سن فعالیت قرار دارند، اما اشتغال ندارند.

«جمعیت غیر فعال را نباید با جمعیت بیکار اشتباه کرد؛ زیرا بیکار کسی است که در سن کار قرار دارد و با داشتن توان، دنبال کار می‌گردد؛ ولی پیدا نمی‌کند. در حالی که جمعیت غیر فعال بنابه دلایل مختلف در جستجوی کار و فعالیت نیست»

## **جمعیت فعال را به دو صورت مورد مطالعه قرار می‌دهند:**

۱. جمعیت فعال بالقوه؛ افرادی از جمعیت کشور است که در سن قانونی کار یعنی میان ۱۵ تا ۶۴ سال قرار دارند. این جمعیت به صورت بالقوه می‌توانند فعالیت کنند.

۲. جمعیت فعال بالفعل؛ جمعیتی است که یا به عنوان فرد شاغل در زمان مورد بحث فعالیت دارد و یا به مثابه فرد بیکار در جستجوی کار، برای یافتن کار فعالیت می‌کند؛ بنابراین جمعیت شاغل به علاوه جمعیت بی‌کار در جستجوی کار را جمعیت فعال بالفعل می‌گویند.

## **انواع جمعیت غیر فعال:**

جمعیت غیر فعال به دو دسته تقسیم می‌شوند:

1. وابستگان؛ افرادی هستند که برای ادامه حیات خود، به کوشش صاحبان درآمد یا نان‌آوران احتیاج دارند. در این مورد، می‌توان از زنان خانه‌دار، کودکان، دانش‌آموزان و دانشجویان نام برد.

2. به کسانی اطلاق می‌شود، که استعداد و امکان کار کردن ندارند و برای زندگی خود از کمک‌های عمومی برخوردار هستند. اعانه‌گیران و بیکاره‌ها، رمالان، دعانویسان، فال‌گیران، معرکه‌گیران و افرادی مانند آن‌ها جزو مقوله سرباران محسوب می‌شوند

## **قانون حمایت از خانواده:**

قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت بر اساس اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی، در یک کمیسیون مشترک بررسی شد و پس از موافقت مجلس با اجرای آزمایشی آن به مدت ۷ سال، در دهم آبان ۱۴۰۰ به تأیید شورای نگهبان رسید.

## **تشکیل ستاد ملی جمعیت:**

بر اساس ماده نخستین قانون ستاد ملی جمعیت به ریاست رئیس جمهور تشکیل می‌شود که در مجموع ۲۴ عضو دارد. علاوه بر رئیس جمهور، دبیر ستاد، وزیر کشور بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، علوم، تحقیقات و فناوری، ورزش و جوانان، راه و شهرسازی، تعاون، کار و رفاه اجتماعی، اطلاعات، امور اقتصادی و دارایی، فرهنگ و ارشاد اسلامی، آموزش و پرورش می‌باشند. این ستاد ملی جمعیت دارای وظایفی هستند که برای ستاد ملی جمعیت ۱۲ وظیفه تعیین شده که از جمله وظایف، تهیه یک برنامه عملکرد و ایجاد هماهنگی میان

نهادهای مرتبط با موضوع جوانی جمعیت و خانواده و نظارت بر نقش آنهاست.

«تدوین شاخص‌های ارزیابی و سنجش اقدامات اثربخش و رشد ازدواج و فرزندآوری به تفکیک بخش‌های خانواده، رسانه، سازمان‌های مردم نهاد و دستگاه اجرایی، شرکت‌ها و مؤسسات خصوصی مدیران و نخبگان، اهدای سالانه جایزه ملی جوانی جمعیت، پایش زمانی و مکانی مستمر تغییرات جمعیتی در سطوح ملی، استانی و شهرستانی با مشارکت مرکز آمار ایران و پایش جامعه وضعیت سقط جنین در کشور بر اساس جمع‌بندی گزارش دستگاه‌های ذیربط و پژوهش‌های مرتبط» بخش دیگر وظایف ستاد ملی جمعیت است.

در این قانون همه وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های زیرمجموعه دولت موظف شده‌اند تا دستورالعمل‌ها، برنامه‌ها و منشورهای مرتبط با خانواده، فرزندآوری و جمعیت را در چهارچوب مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی تهیه کنند و در زمان مقرر ارائه دهند که ان شاء الله در نوشتارهای بعدی به این مبحث بیشتر پرداخته خواهد شد.

همانگونه که میدانید جمعیت از افرادی که در آن منطقه وجود دارند تشکیل میشود که این افراد از دل خانواده‌ها رشد کرده‌اند و خانواده ماحصل بوجود آمدن ازدواج زوجین هست پس اولین گام و مهمترین زیر بنای یک جمعیت ازدواج هست اگرما با شناخت کامل وکسب آگاهی نتوانیم انتخاب درستی داشته باشیم به نوبه ی خود ما هم در جمعیت غیرفعال کشور خود متاسفانه در آینده سهمیم خواهیم برد.



## نگاهی کوتاه به ازدواج داشته باشیم:

ازدواج که در یک رابطه دگرجنس‌گرا پیوند زناشویی نیز نامیده می‌شود، یک پیوند فرهنگی و اغلب قانونی/حقوقی به رسمیت شناخته شده بین افرادی به نام همسر یا شوهر است. این پیوند حقوقی تعهداتی را بین افراد پیوند داده شده و نیز بین آنها و فرزندانشان و بین آنها و خویشاوندان سببی‌شان برقرار می‌کند.

ازدواج تقریباً یک پدیده جهان فرهنگی است اما تعریف ازدواج بین فرهنگ‌ها و مذاهب و در طول زمان متفاوت است. به‌طور معمول، ازدواج نهاد اجتماعی است که در آن روابط بین فردی، معمولاً جنسی، تأیید یا نفی می‌شوند. در برخی فرهنگ‌ها، ازدواج قبل از انجام هر گونه فعالیت جنسی اجباری است یا به آن توصیه می‌شود.

افراد ممکن است به دلایل مختلفی ازدواج کنند، از جمله اهداف قانونی، اجتماعی، میل جنسی، عاطفی، مالی، معنوی یا مذهبی. اینکه چه کسی با آنها ازدواج می‌کند ممکن است تحت تأثیر جنسیت، قوانین اجتماعی تعیین شده برای زنای با محارم، قوانین تجویزی ازدواج، انتخاب والدین و میل فردی و محیط باشد. در برخی از مناطق جهان ازدواج ترتیبی-سنتی، ازدواج کودکان، چندهمسری و ازدواج اجباری نیز انجام می‌شود. در سایر زمینه‌ها، چنین اقداماتی برای حفظ حقوق زنان یا حقوق کودکان (چه زن و چه مرد) یا در نتیجه قوانین بین‌المللی غیرقانونی است. در برخی از نقاط جهان، ازدواج از لحاظ تاریخی حقوق زنان را که دارایی شوهر محسوب می‌شوند (یا می‌شدند) را محدود کرده‌است. در سرتاسر جهان و عمدتاً در دموکراسی‌های توسعه‌یافته، یک گرایش کلی به سمت تضمین حقوق برابر برای زنان در ازدواج (از جمله لغو وابستگی حقوقی به مردان، آزادسازی قوانین طلاق، و اصلاح حقوق باروری و جنسی) و به رسمیت شناختن قانونی ازدواج‌های بین ادیانی، بین نژادی، قومی، زوج‌های بین کاست و زوج‌های همجنس وجود داشته‌است. مناقشات و بحث در مورد وضعیت حقوقی زنان متأهل، سازگاری با خشونت در ازدواج، آداب و رسومی مانند جهیزیه، مهریه و قیمت عروس (شیربها)، ازدواج اجباری، سن ازدواج و جرم انگاری رابطه جنسی قبل از ازدواج و رابطه خارج از ازدواج همچنان در سرتاسر جهان ادامه دارد. در تاریخ اقتصادی اثبات شده که سن زن در هنگام ازدواج یک شاخص قوی برای خودمختاری

زنان است و به‌طور مداوم توسط تحقیقات تاریخ اقتصادی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

ازدواج می‌تواند توسط یک دولت، یک سازمان، یک مرجع مذهبی، یک گروه قبیله‌ای، یک اجتماع محلی یا همسالان و آشنایان به رسمیت شناخته شود. ازدواج اغلب به عنوان یک قرارداد در نظر گرفته می‌شود. ازدواج مذهبی توسط یک مؤسسه مذهبی برای شناخت و ایجاد حقوق و تکالیف ذاتی زوجیت در آن دین انجام می‌شود. ازدواج مذهبی در دین کاتولیک به شکل‌های مختلفی به عنوان ازدواج مقدس، در اسلام نکاح، در یهودیت Nissuin، و نام‌های مختلف دیگر در سنت‌های دینی دیگر شناخته می‌شود، که هر کدام محدودیت‌های خاص خود را در مورد اینکه چه چیزی یک ازدواج مذهبی را معتبر می‌کند و اینکه چه کسی می‌تواند وارد ازدواج شود را دارند. نتیجه پژوهش‌های جدید نشان می‌دهد که از دهه هشتاد میلادی به بعد میل به تجرد در افراد بیشتر شده ازدواج‌ها کمتر و بی‌دوام‌تر شده‌اند.

نتیجه تحقیقات ثابت می‌کنند که برخلاف باورهای قدیمی که اظهار می‌کردند افراد متأهل نسبت به مجردها از سلامت و حس خوشبختی بیشتری بهره‌مندند دیگر مطلقاً صحت ندارد و در مواردی حتی مجردها خوشبختی و سلامت بیشتری از متأهل‌ها دارند. از دلایل اظهار شده برای این مسئله می‌توان به آزادی بیشتر در افراد مجرد و همین‌طور فشار بالا بر روی متأهل‌ها اشاره کرد. به بیان دیگر زیست مشترک در دنیای مدرن دستخوش تغییرات جدی و گام به گام می‌شود و دیگر به‌سان قدیم نمی‌باشد. چکیده این تحقیقات ثابت کرد که در عصر جدید فردیت با زندگی مشترک در اصطکاک خواهد بود و چالش‌های جدیدی را به‌وجود خواهد آورد. عامل دیگری که برای



توضیح علت سالم‌تر و خوشبخت‌تر بودن مجرّدها در برابر متاهلین اظهار شده این است که انسان در موقعیت‌های فردی دچار دغدغه‌های ذهنی کمتری است؛ ولی در زمان قرار گرفتن در یک جمع به‌خاطر افزایش کشمکش‌ها و محاسبات ذهنی برای تعدیل، رفتار آدمی در قبال طرف مقابل آشفتگی ذهنی افزایش می‌یابد با این وجود بعضی دیگر از منابع هنوز بر این باورند که با تمام مشکلاتی که ازدواج در دنیای امروز دارد، باز به دلایلی مانند اثبات عشق به شریک عاطفی، اجتماعی بودن انسان، حمایت همسر و ایجاد انگیزه بیشتر برای زندگی ازدواج کردن نسبت به مجرد بودن بهتر است.

## **حقوق و وظایف:**

ازدواج به زوجین، حقوق و وظایفی اعطا می‌کند؛ و از آنجاکه یگانه ساختار ایجاد خویشاوندی سببی است این وضع گاهی شامل خویشاوندان آن‌ها نیز می‌شود؛ و می‌تواند شامل موارد ذیل باشد:

واگذاری کنترل بر خدمات جنسی، کار و اموال همسر به شوهر/زن یا خانواده دیگری، واگذاری مسئولیت دیون همسر به شوهر/زن، دادن حق ملاقات همسر به شوهر/زن هنگامی که وی بستری با زندانی است.

واگذاری کنترل امور همسر به شوهر/زن هنگامی که وی ناتوان است.

گماشتن دومین سرپرست قانونی فرزند والد، برقراری حسابی مالی مشترک به خاطر کودکان، برقراری خویشاوندی میان خانواده‌های زوجین، این حقوق و وظایف در میان جوامع و گروه‌های گوناگون در هر جامعه به‌طور قابل ملاحظه‌ای متغیر است.



## ازدواج از دیدگاه ادیان:

### زرتشتی

خویدوده مفهومی در دین زرتشتی برای اشاره به گونه ای از ازدواج پسندیده خوب است. درباره شیوه این ازدواج میان پژوهشگران و

اوستاشناسان اختلاف دیدگاه وجود دارد که منظور از خویدوده ازدواج با خویشان نزدیک مانند عموزادگان است یا منظور ازدواج با محارم مانند خواهر و مادر است.

## یهودیت

در یهودیت، ازدواج به معنای کامل شدن و اوج رشد انسانی است. برپایه تعالیم یهود، یک زن بدون همسر و یک مرد بدون زن انسان‌هایی کامل نیستند و با ازدواج و پیوند زناشویی از شکل ناقص به وجودی کامل تبدیل می‌شوند. ازدواج در میان کلیمیان دارای مراسمی مخصوص با آداب مربوط به آن است که از آن جمله می‌توان به مهریه زن که کتوباه گفته می‌شود تا چاپاه، پارچه‌ای سفید و نماد روشنایی که بر روی چهار چوب از هر طرف و بر روی سر عروس و داماد قرار می‌گیرد و نماد خانه و زندگی جدید زوج جوان است یاد کرد.

## مسیحیت

مسیحیان هنگام ازدواج متعهد می‌شوند که یکی شدن مرد و زن را نشانه آشکاری برای محبت خدا به بشر و محبت مسیح به شاگردانش قرار دهند. به همین علت، مسیحیان ازدواج را التزام و تعهد در طول زندگی می‌شمارند و با طلاق و ازدواج مجدد در زمان حیات همسر مخالفند. اگرچه ازدواج در مسیحیت پدیده‌ای مقدس محسوب شده و سرّ عظیم نامیده می‌شود، اما در برابر آن دوری گزیدن از ازدواج از نظر برخی مسیحیان امری پسندیده‌تر است، گرچه هیچ اجباری در این مورد نیست. شخص مجرد، با تمام توان به خدمت خداوند می‌رسد و با کم‌کردن مشغله‌های دنیوی و زندگی، خود را شبیه عیسی می‌سازد.

با صرف نظر از فرقه‌های معدود و نوپیدایی که همجنسگرایی را نیز نوعی از ازدواج می‌دانند، تنها شکل قابل پذیرش برای ازدواج به‌طور سنتی و معمول بین مسیحیان، ازدواج بین فقط یک زن و فقط یک مرد است و چندزنی یا چندشوهری ممنوع و حرام است. همچنین مسیحیت یکی از مهم‌ترین عوامل جا افتادن تک همسری به عنوان گونه مورد پذیرش ازدواج در جوامع غربی بوده است.

## اسلام

از دیدگاه اسلام، ماهیت ازدواج یک قرارداد و پیمان با شرایطی ویژه است. و بسیار پسندیده و مطلوب است و از منظر فقه اسلامی، عملی مستحب و چه بسا مستحب مؤکد و در برخی موارد واجب شمرده می‌شود. عفت و حیا از جمله این صفات می‌باشند که یکی از راه‌های تأمین این صفات و سجایا ازدواج است. اسلام با تشریع ازدواج، مسیر رسیدن به عفت و حیا را هموار می‌سازد بدین صورت که ازدواج را بهترین و طبیعی‌ترین راه تأمین نیازهای جنسی معرفی می‌کند.

طبق قوانین اسلامی در صورت نبود موانع ازدواج و حرام نبودن ازدواج طرفین (مثلاً شوهر داشتن زن یا محرم بودن دو طرف) ازدواج با گفتن عبارت «زَوَّجْتُک» (خود را به زوجیت تو درآوردم) یا عبارتی دقیقاً به همین معنی از سوی زن و تأیید مرد با عبارتی نظیر «قَبِلْتُ» محقق می‌شود. برخی حضور دو شاهد و ولی زن (پدر و جد پدری) را هم لازم می‌دانند. در مورد کودکان نابالغ، دیوانگان، و اشخاص سفیه (کم‌خرد) نیز حق ازدواج با پدر و جد پدری، وصی آن‌ها یا حاکم شرع و برای بردگان و کنیزان با مالک آن‌هاست. همچنین طرفین می‌توانند به شخص دیگری، که لازم هم نیست نماینده

دینی باشد، وکالت دهند تا آن‌ها را به عقد یکدیگر درآورد. چندزنی تا حداکثر ۴ همسر برای مردان جایز است ولی چندشوهری جایز نیست. در صورت طلاق یا مرگ شوهر، زن برای ازدواج مجدد باید مدتی را صبر کند که به عده معروف است و در این دوران همچنان برخی آثار رابطه زوجیت بین او و همسر سابقش برقرار است. در هنگام ازدواج مرد باید مالی را به تملک زن درآورد که به مهریه معروف است. مقدار مهریه بسته به توافق زن و مرد است.

شیعیان نوع دیگری از ازدواج (معروف به ازدواج موقت یا صیغه یا متعه) هم دارند که در آن عقد ازدواج برای مدت معین و محدودی بین دو طرف بسته می‌شود. در این نوع ازدواج فقط برای مدت محدودی (مثلاً چند ساعت یا چند روز) که توسط دو طرف معین شده انجام می‌شود.

ازدواج در اسلام بسیار پسندیده است. محمد پیامبر اسلام گفته است: «إِذَا تَزَوَّجَ الْعَبْدُ فَقَدْ اسْتَكْمَلَ نِصْفَ الدِّينِ، فَلْيَتَّقِ اللَّهَ فِي النِّصْفِ الْبَاقِي». یعنی هر گاه آدمی ازدواج کند، نصف دین را به دست آورده است و برای نصف دیگر باید تقوای خدا پیشه کند؛ و در جای دیگری گفته است: «النَّكَاحُ سُنَّتِي فَمَنْ رَغِبَ عَنْ سُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي». یعنی ازدواج سنت من است، هرکس از سنت من روی برگرداند، از من نیست.

## بهای

ازدواج در بین بهائیان، اتحاد بین زن و مرد است و بهائیان به امر ازدواج تشویق شده‌اند. اما این ازدواج علاوه بر ارتباط جسمانی باید

روحانی نیز باشد. هدف اصلی ازدواج، پرورش روح و ایجاد هماهنگی و وحدت بین دو شریک زندگی تعریف شده است. حداقل سن ازدواج پانزده سال تمام است. از بیان رضایت طرفین و پرداخت مهریه بهائی و خواندن آیه‌ای توسط زن و مرد که متن آن در کتاب اقدس ام‌الکتاب دین بهائی آمده است و ثبت واقعه، امضای والدین و همچنین ۹ شاهد رسماً آغاز می‌شود. باید توجه داشت که رضایت والدین دو طرف ازدواج نیز در امر بهائی از عناصر تحقق اقتران است. آیه مخصوص که به آن اشاره شد «انا کل لله راضون» برای مردان و «انا کل لله راضیات» برای زنان است. در احکام بهائی داشتن چند همسر در یک زمان و ازدواج همجنسان مجاز نیست.

همانطور که گفته شد باب ازدواج در ادیان وجوامع مختلف وجود داشته و دارد اما متأسفانه ما شاهد کم‌رنگ شدن این سنت زیبا و پسندیده هستیم و همچنین نقش فرزندآوری ناپیدا شده که ان شاء الله در مباحث آینده به علل و عوامل آنها پرداخته و سعی خواهیم کرد راه کارهایی برای این موانع بیابیم تا شاهد جمعیت‌سازی توانمند، فعال و جوان در کشور باشیم.

## و اما مهمترین ملاک‌های ازدواج :

هر اندازه دختر و پسر از نظر ویژگی‌های گوناگون نزدیکتر باشند ترکیب آن دو در زندگی زناشویی استوارتر و عمیق‌تر خواهد بود. این مجموعه ویژگی‌ها در منابع اسلامی با عنوان کفویت عنوان شده است

که در ابعاد گوناگونی چون: سن، وضعیت روانی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی و تحصیلی قابل بررسی است.

به طور خلاصه ملاك های ازدواج که باید در نظر گرفته شوند عبارتند از:

۱. ایمان و دینداری: پایبندی به ارزش های دینی بدون شك یکی از عوامل خوشبختی در زندگی زناشویی است.

۲. اصالت خانوادگی: شناخت خصوصیات و وضعیت تربیتی فرهنگی خانواده همسر آینده، در ایجاد تفاهم بین دختر و پسر در زندگی زناشویی نقش اساسی ایفا می کند. این مساله باعث می شود بتوانید سازگاری بهتری با همدیگر پیدا کنید.

۳. سن: تناسب سنی بین زن و مرد، تشابه نیازها و علایق، توقعات و انتظارات را تا حدودی به دنبال دارد. کارشناسان خانواده، حدود ۲ تا ۶ سال اختلاف سن بین زن و مرد را توصیه می نمایند.

۴. تحصیلات: تشابه تحصیلی نیز در ایجاد تفاهم بین زن و مرد عامل مهمی است. و کسب علم و دانش به خودی خود يك مزیت و ارزش است و در رشد و تعالی فکری افراد نقش بسزایی دارد.

۵. وضعیت اجتماعی- اقتصادی خانواده: تشابه های خانواده های دختر و پسر از نظر وضعیت اجتماعی و اقتصادی يك اصل مهم در ایجاد تفاهم های بعدی بین زن و مرد است. به این ترتیب هیچ کس نسبت به

دیگری احساس برتری نمی کند و پذیرش بهتری نسبت به همدیگر خواهند داشت.

۶. زمینه های فرهنگی: ارزش های فردی و اجتماعی، آداب و رسوم، رفتار و سلوك، حتی آداب لباس پوشیدن و غذا خوردن زن و مرد می تواند زمینه های همدلی بیشتر را بین آن دو پدید آورد. به همین جهت شناخت زن و مرد از فرهنگ و واقعیت های ارزش فرهنگی همسر آینده، از اهمیت بسیاری برخوردار است.

نکته ای که یادآوری آن در این قسمت ضروری به نظر می رسد اینکه ملاك های فوق هیچ يك به تنهایی نمی تواند عامل موفقیت در زندگی زناشویی باشد. افراد باید مجموعه عوامل گوناگون موثر بر انتخاب خود را اولویت بندی کنند و با این اعتقاد که هیچ کسی کامل نیست به نوعی مصالحه دست بزنند.

## نتیجه گیری:

با توجه به مطالب گفته شده نتیجه میگیریم که یک جامعه از جمعیت افرادی فعال و غیرفعال تشکیل شده است که مهمترین زیر بنای یک جمعیت یک کشور از خانواده شکل میگیرد.



خانواده از وصلت زوجین تشکیل شده و ماباید در انتخاب این وصلت با آگاهی و مهارت‌های لازم گام برداشته و قابل ذکر می‌باشد :

هنگامیکه از جبهه سازی جمعیت سخن به میان می‌آید یعنی اینکه: ما با اهتمام و عملیات که همان زیر ساخت های یک ازدواج سالم و رفع موانع و آموزش و کسب مهارت در مسائل می‌باشد.

تا بتوانیم جمعیت جامعه ای خود را توانمند و فعال ساخته زیرا در واقع جمعیت یک کشور بزرگترین خانواده ی ما می‌باشد.

به امید آنکه بتوانیم با کسب مهارت زندگی های سالمی را در جامعه شاهد باشیم.